

## بررسی ویژگی‌های انسان کامل در مثنوی اسرار الشهود اسیری لاهیجی

ماندانا دهقان<sup>۱</sup>

سمیرا رستمی<sup>۲</sup>

سید محسن ساجدی راد<sup>۳</sup>

### چکیده

انسان کامل یکی از اصطلاحات مهم و رایج در متون عرفانی است که ظهور مفهوم آن با پیدایش عرفان اسلامی هم‌زمان است. اسرار الشهود، نام اثر عرفانی شیخ محمد اسیری لاهیجی، عارف قرن نهم هجری قمری است، که در آن به مضامین عرفانی و مفاهیم انسان کامل پرداخته شده است. پژوهش حاضر با هدف شناخت انسان کامل در اثر فوق، به روش توصیفی - تحلیلی؛ ابتدا نسبت انسان کامل را با خداوند متعال، سپس نسبت او را با عالم هستی و همچنین مسئله رسالت و ولایت انسان کامل را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در آراء عرفانی شیخ محمد لاهیجی، انسان کامل مظهر تجلی ذات حق تعالی است، که با زدودن زنگار تعین‌های عدمی و مجازی، به درک وحدت وجودی نائل گشته، و سیر الی الله بالله را پیموده است. از نظر لاهیجی انسان کامل در بینش متعالی وحدت وجودی، شایسته خلافت الهی در عالم گشته است. رهبری و ولایت بر مخلوقات منحصر در ذات او است. لاهیجی در اسرار الشهود با اشاره به نشانه‌ها، هدایت و ولایت خلق را به عهده انسان کاملی می‌داند که راه او صراط المستقیم است و خداوند او را به خلق نیک آراسته است. در واقع لاهیجی بدین معنی اشاره دارد که انسان کامل صورت حق تعالی در عالم ماده است.

### واژگان کلیدی

اسرار الشهود، اسیری لاهیجی، انسان کامل.

۱. دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش عرفان، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

Email: mandanaa.dehghan1351@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Srostami152@gmail.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

Email: sajedirad2010@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۲/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

## طرح مسأله

اصطلاح انسان کامل در قرآن مجید به کار نرفته است، اما محققین مفهوم آن را در قرآن بررسی کرده اند. «قرآن حبل الله است که از مقام مجرد تام تنزل یافته است و به لباس لفظ در آمد تا انسان با شنیدن سخن خدا به حضور آن حضرت بار یابد و آنگاه خود عین حبل الله گردد و به نام انسان کامل، که کون جامع همه مراتب است و این مقام از انسان دور نیست. زیرا خداوند سبحان و همه فرشتگان بر انسان صلوات نازل می نمایند تا او را از ظلمت طبیعت به عالم مثال و از آنجا به موطن عقل محض برسانند.» (آملی، ۱۳۶۳: ۳۶)

شناخت انسان کامل از نظر اسلام این است که بینیم قرآن در درجه اول و سنت در درجه دوم، انسان کامل را (اگرچه در قرآن و سنت تعبیر انسان کامل نیست و تعبیر مسلمان کامل و مومن کامل است) چگونه توصیف کرده اند. ولی به هر حال معلوم است که مسلمان کامل یعنی انسانی که در اسلام به کمال رسیده است و مومن کامل یعنی انسانی که در پرتو ایمان به کمال رسیده است. (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۲). محیی الدین بن عربی (۵۶۰-۶۳۸ ه.ق) برای نخستین بار در کتب خود، «فتوحات مکیه» و «فصوص الحکم» در باره ویژگی‌های «انسان کامل» به تفصیل سخن گفته است. پس از او، عزیز الدین نسفی (۶۳۰-۷۰۰ ه.ق) در مجموعه رسالات بیست و دو گانه اش به موضوع «الانسان الکامل» پرداخته است. پس از نسفی، عبد الکریم جیلی (م: ۸۰۵ ه.ق) عنوان «الانسان الکامل» را برای کتاب ارزنده اش برگزیده است. (جهانگیری، ۱۳۷۵: ۳۲۵)

شمس الدین محمد بن یحیی بن علی گیلانی لاهیجی صاحب کتاب اسرار الشهود، متخلص به اسیری از عارفان مشهور قرن نهم است. (سجادی، ۱۳۸۴: ۲۲۱) مهمترین اثر او، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز معروف ترین شرحی است که بر مثنوی معروف گلشن راز اثر عارف مشهور شیخ محمود شبستری نوشته شده است. (اسیری، ۱۳۶۸، مقدمه: ۱۹) از آثار دیگر وی، مثنوی اسرار الشهود؛ به مثنوی اسیری مشهور است، این مثنوی در بحر رمل (هم وزن مثنوی مولانا) است، مشتمل بر تحقیقات و تمثیلات عرفانی است و در آن مطالب اخلاقی و عرفانی و سیر و سلوک در ضمن حکایات و داستان‌های دلپذیر و شیرین با بیانی خوش و دلکش آمده است. (همان، ۲۰) در مثنوی اسرار الشهود، شیخ لاهیجی به

عرفان اسلامی و اصطلاح انسان کامل پرداخته است. نویسندگان این مقاله کوشیده اند که با توجه به شاخصه های انسان کامل در عرفان اسلامی با بررسی مثنوی اسرار الشهود، ویژگی های انسان کامل را در نسبت با خداوند مشخص و سپس ویژگی های وی را در نسبت با عالم هستی در این اثر بازشناسی کنند، در انتهای این پژوهش نیز به آراء و اندیشه های شیخ لاهیجی در خصوص رسالت و ولایت انسان کامل پرداخته می شود. بررسی شاخصه های انسان کامل با سه ویژگی اصلی آن، که به صورت تفکیک شده در این پژوهش آمده است؛ جهت شناختی واضح تر از مختصات سیر و طریق اهل الله در عرفان نظری، از جمله ضرورت های پژوهش حاضر است. در بررسی هایی که در پژوهش های گذشته انجام شده این چنین نتیجه گیری می شود که ویژگی های انسان کامل در نظر اندیشمندی مانند ابن عربی بررسی شده است ولی درباره این مبحث در نظر اندیشمندی مانند شیخ لاهیجی که عارفی وارسته است و به اصطلاح انسان کامل پرداخته است، پژوهشی انجام نشده است. همچنین بررسی آراء و اندیشه های حاکم در آثاری که کمتر به آن ها پرداخته شده، اهمیت و ضرورت این تحقیق را در شناختی دقیق تر از سیر تطور تاریخ عرفان اسلامی آشکار می سازد.

### اهداف پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، تبیین موضوع انسان کامل در مثنوی اسرار الشهود لاهیجی است، که با پرسش های ذیل به این موضوع می پردازد.

الف. انسان کامل در نسبت با خداوند چه ویژگی هایی دارد؟

ب. انسان کامل در نسبت با عالم چه جایگاهی دارد؟

ج. هدف از رسالت، ولایت و خلیفه الهی انسان کامل چیست؟

### پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهشی در خصوص بررسی انسان کامل در اسرار الشهود شیخ محمد لاهیجی صورت نگرفته است. پژوهش هایی که درباره انسان کامل یا اسرار الشهود انجام شده است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آل عصفور، (۱۳۸۵). در مقاله ای با عنوان «انسان کامل و انسان شناسی مولانا» به

بررسی انسان کامل پرداخته است. این مقاله به بررسی سیمای انسان کامل از دیدگاه عرفان پرداخته و جنبه‌های گوناگون وجودی انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد و از سوی دیگر چون محیی‌الدین عربی بنیانگذار عرفان علمی است و اساس عرفان این عارف بزرگ «انسان کامل» است، تفاوت دیدگاه مولانا جلال‌الدین با دیدگاه محیی‌الدین عربی مورد بررسی و بحث قرار گرفته و ارتباط آن با بحث ولی و ولایت بیان گردیده است. اعوانی، دادبه، بادنچ. (۱۳۸۹). در مقاله‌ای با عنوان انسان کامل به روایت ابن عربی، به موضوع انسان کامل پرداخته‌اند. رستمی. (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان پیر هدایتگر در مثنوی اسرار الشهود لاهیجی با روش توصیفی - تحلیلی ویژگی‌های پیر هدایتگر را بررسی کرده و نشان داده است که در تقسیم‌بندی چهارگانه مجذوبان سالک، سالکان مجذوب، و مجذوبان مطلق و سالکان بی‌جذبه، اسیری مجذوب سالک و سالک مجذوب را برای هدایتگری شایسته می‌داند، و مقام اکمل را برای مجذوب سالک قائل است. دیدگاه اسیری مشابه با عزالدین کاشانی در مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه و متفاوت با دیدگاه سهروردی در عوارف‌المعارف است.

### روش پژوهش

جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است و نگارندگان با رویکردی توصیفی و تحلیلی، ابتدا به بررسی مثنوی اسرار الشهود محمد بن یحیی بن علی گیلانی لاهیجی پرداخته‌اند و با توجه به اهداف پژوهش، مضامین مرتبط با نسبت انسان کامل با خداوند، و نسبت انسان کامل با جهان هستی، و رسالت و ولایت انسان کامل را در مثنوی فوق استخراج کردند، سپس با دسته‌بندی ابیات و استفاده از آن‌ها، مباحث؛ تحلیل، توصیف و نتیجه‌گیری شد.

### بحث و بررسی

#### ۱- نسبت انسان کامل با خداوند.

##### ۱-۱- حقیقت ذات

در ابتدا باید دانست که منظور از حقیقت ذات چیست؟ «داوود علیه السلام گفت: یا رَبِّ لِمَاذَا خَلَقْتَ الْخَلْقَ؟ قال: كُنْتُ كُنْزًا مَخْفِيًا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأَعْرِفَ

یعنی: پروردگارا! برای چه مخلوقات را آفریدی؟ خدای تعالی فرمود: گنجی پنهان بودم، دوست داشتم که شناخته شوم، پس خلق را آفریدم تا مرا بشناسند.» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۸۴: ۹۸) پس آفرینش مخلوقات به ذات حق تعالی در حدیث کنت کنز مشهود است. ابن عربی در باره حقیقت ذات می گوید «چه پیدایش جهان، از حق، ذاتی است و خداوند آئینه جهان نما است که در آن صور عالم منعکس شده است. پس ممکنات خود را در آئینه وجود حق می بینند» (کمال خوارزمی، ۱۳۶۴: ۵۷)

در کتاب اسرارالشهود، محمد لاهیجی می گوید:

جمله ذرات جهان مرآت اوست هر چه بینی مصحف آیات اوست

(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱)

لاهیجی در بیت فوق، ذرات جهان را آئینه ذات پروردگار می داند، آن چنان که هر چه از نظر انسان کامل می گذرد، آیات و نشانه های اوست. انسان کامل ذرات جهان را آئینه و تجلی ذات حق تعالی در می یابد. انسان کامل با صیقل دادن سنگ خود می تواند آینه ای به دست آورد که ما را رویاروی یار می نشاند. انسان کامل می تواند خدا و جهان را در جام بینای خویش به تماشا بنشیند. انسان کامل می تواند جهان تفصیل ها را در خود به اجمال درآورد و از سوی دیگر آفریننده و اجمال را در خود باز یابد.

در حقیقت جمله را دل سوی تست جان هر یک در هوای روی تست

(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲)

اسیری می گوید: دل های کاملان روی در حق تعالی دارند و جان ها شیفته روی پروردگار است. در واقع نسبت انسان با حق تعالی در لوح دل، و تجلی ذات حق بر این لوح است.

جان جمله با جمالت آشنا هر یکی از خـوان عشقت با نوا

آن یکی از جرعه های مست و خراب وان دگر نوشیده دریای شراب

هر یکی سرمست جام وصل یار وز غم هجران به جان در زینهار

(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳)

نسبت کاملان با خداوند، سرمستی از جام عشق الهی؛ و غم هجران در رسیدن به مقام بقا بالله است. لاهیجی در ابیات فوق می گوید: جمله عاشقان (انسان های کامل) با جمال پروردگار آشنا هستند و هر یک از سفره عشق و محبت تو بهره مند شده اند. آن ها هر یک با توجه به ظرفیت های وجودی خویش از شراب عشق تو بهره مند شدند و سرمست از وصل یار هستند، اما در غم و درد دوری پناه می جویند. در این معنی که آن ها روی در مقام نیستی و فنا دارند و سیر الی الله می پویند برای نائل آمدن به سیر فی الله.

آنکه شد عالم طفیل ذات او لی مع الله کاشف حالات او  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

اسیری می گوید: عالم وابسته و پیرو ذات انسان کامل است. همانطور که گفته شد حق تعالی تجلی صفات و کمالات خویش را در آئینه انسان کامل می بیند و بدین دلیل عالم، تجلی ذات حق را در آئینه وجود اهل الله می بیند.

در مصرع دوم اسیری به حدیث لی مع الله اشاره دارد، «لِیْ مَعَ اللّٰهِ وَقَدْ لَا یَسْعٰی فِیْهِ نَبِیُّ مُرْسَلٌ وَّكَأَمْ لَمَلِكٌ مُّقْرَبٌ»، مرا با خدا وقتی هست که در آن وقت آنچنان یگانگی وجود دارد که فرشته ویژه و پیامبر مرسل در آن ننگیند. بدین معنی است که عارف کامل در استغراق و مکاشفه به تجلی ذات حق دست می یابد.» (مهریزی، ۱۳۸۰: ۴۱۰) با توجه به حدیث نبوی، بیت فوق در نسبت انسان کامل با خداوند قرار می گیرد، ذات او، یعنی ذات انسان کامل؛ پیامبر گرامی اسلام، در مرتبه ای از تقرب قرار گرفت که مقام نبی مرسل و فرشته مقرب نیز بدان پایه نخواهد رسید و این نسبتی است که وی با خداوند دارد.

#### ۱-۲- حقیقت محمدیه

مراد از حقیقت محمدیه به اصلاح متصوفه، و عرفا، ذات احدیت به اعتبار تعیین اول و مظهر اسم جامع الله است. (سجادی، ۱۳۷۰: ۳۲۵) و به همین دلیل است که در نسبت با خداوند قرار دارد. همچنین حقیقت محمدی با عالم و انسان و با معرفت اهل عرفان نیز ارتباط دارد. از حیث ارتباطش با عالم، مبدأ خلق عالم است، که خالق عالم پیش از هر چیزی او را آفریده و هر چیزی را نیز او آفرید و از حیث ارتباطش با انسان، صورت کامل انسان است که در نفس خود جامع جمیع حقایق وجود و خلاصه، آدم حقیقی و

حقیقت انسانیت است. (جهانگیری، ۱۳۷۵: ۴۴۸)

عارف اطوار سر جز و کل خلق اول روح اعظم نفس کل  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

اسیری در مصرع نخست پیامبر گرامی اسلام را آگاه به اطوار دل و اسرار جزء و کل می داند. اطوار در مصرع اول اشاره به اطوار سبعة در عرفان اسلامی دارد. و نسبت دادن عارف اطوار به پیامبر (ص) به معنی آن است که پیامبر تمام اطوار هفتگانه قلب را درک کرده است و به آخرین درجه و طور هفتم رسیده است که آن را مهجه القلب می نامند. و آن محل تجلیات حضرت الوهیت و اشراقات انوار عظمت ربوبیت است.

و در مصرع دوم القاب حقیقت محمدیه را در وصف پیامبر ارجمند اسلام نام می برد. خلق اول اشاره دارد به حدیث نبوی *أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي* و عرفا درباره این حدیث معتقدند که اولین چیزی که خداوند آفرید نور پیامبر (ص) بوده که سپس به صورت حضرت آدم ظاهر شده است. روح اعظم اشاره دارد به روح انسان که از جهت ربوبیت، مظهر ذات الهی است.

نکته کنت نبیا می شنو گر دلی داری به عشقش کن گرو  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

مصرع اول این بیت اشاره دارد به حدیث نبوی « *كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ* » اشاره دارد. پیامبر در این حدیث می فرماید: من پیامبر بودم در حالی که حضرت آدم بین آب و گل بود. وجود پیامبر قبل از حضرت آدم مسلما با این وجود، طبیعی نبوده است. بلکه مراد وجود در نشأت دیگری می باشد مانند نشأت عقلی و یا فراتر از آن. همه موجودات در علم خداوند معلوم هستند و وجود علمی پیامبر اکرم (ص) قبل از همه موجودات بوده است.

گر به صورت هست آدم بو البشر او به معنی هست آدم را پدر  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

اسیری می گوید: اگرچه در ظاهر حضرت آدم (ع)، پدر بشریت است. اما در معنی پیامبر گرامی اسلام (ص) پدر حضرت آدم است. و این نسبتی است که از جانب پروردگار

به پیامبر گرامی اسلام عطا شده است. همانطور که در سطور قبل حدیث‌های نبوی را تحلیل و تفسیر کردیم، وجود علمی حضرت محمد قبل از تمام موجودات، حتی حضرت آدم بوده است. پس می‌توان گفت در اصل پیامبر (ص) ابوالبشر است. اوست ایجاد جهان را واسطه در میان خلق و خالق رابطه (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵)

در بیت فوق، اسیری اشاره دارد به حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الافلاک» اگر تو نبودی آسمان‌ها و زمین را خلق نمی‌کردم. همانطور که در این حدیث قدسی می‌خوانیم، پیامبر (ص) بهانه آفرینش بوده اند و خلقت عالمین به جهت وجود ایشان بوده است.

### ۱-۳- صورت حضرت حق

انسان کامل به آنچه خداوند انجام آن را دوست دارد، ملتزم است. خوارزمی در شرح فصوص الحکم ابن عربی می‌نویسد: «جمیع عالم، صورت حضرت الهیه است تفضیلا و انسان کامل صورت اوست جمعا». (کمال خوارزمی، ۱۳۶۴: ۷۲) از نظر ابن عربی عالم به صورت حق است و انسان هم به صورت حق و هم به صورت عالم. از این رو می‌فرماید: *والعالم علی صوره الحق، و الانسان علی صورتین*. (عفیفی ۱۳۸۶: ۲۲۲)

در تو گرا از عین رحمت بنگرند زودت از اسفل به اعلی افکنند (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۲)

در بیت فوق می‌توان اینطور تحلیل کرد که کامل صورت حق تعالی است، پس نگاه رحمت و بخشایش انسان کامل به خلق، همچون نگاه پروردگار به آن‌هاست. همین نگاه رحیم باعث می‌شود انسان از پایین‌ترین درجه انسانیت به بالا بیاید و بالاترین و بهترین درجات انسانی را کسب کند.

هست صلح و جنگشان از بهر حق لاجرم دارند بر عالم سبق (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۳)

اسیری می‌گوید: هدف از فعلیت و اصلاح حق به هر شکلی که باشد، رسالتی است که از جانب حق تعالی برای آنان تعیین شده است. نگرش اهل الله بر عالمیان برتری دارد.



در معنی دیگر می توان گفت که فعلیت آنان برای سبقت در بندگی حق تعالی است. گریز قبول خاطر ایشان شوی شد مسلم بر تو ملک معنوی (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۲)

از نظر اسیری لاهیجی، اگر مقبول نظر کاملان حق باشی، جایگاهی فرامادی، و معنوی برای خود اندوخته ای که بر تو مسلم گشته است. در بیت فوق نظر عارف کامل، همچون نظر حق است. پس مقبولیت خاطر اهل الله، به مثابه مقبولیت حق تعالی است. گریز نظر بر حال زارت افکنند از بلا و محنتت ایمن کنند (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۲)

همچنان که اگر واصلان درگاه حق، نظری بر حال زار دنیوی انسان حیوانی بیافکنند، او از بلا و محنت دنیوی ایمن سازند. در این معنی که روش و منش زندگی وی را متحول خواهند کرد.

متصف گشته به اوصاف خدا اهل جود و صاحب صدق و صفا (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۲)

اسیری می گوید: انسان کامل با صفات پروردگار وصف می شود، پس می توان اینطور استنباط کرد که انسان کامل صورت حق تعالی است و جلوه حق است بر روی زمین. او اهل بخشش عطاست، صاحب راستی و خلوص، پاکی و روشنی است.

منبع آداب و اخلاق حسن مجمع اوصاف رب ذوالمنن گشته از انفاس او دایر فلک بوده در تقدیس سابق بر ملک (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸)

انسان کامل که صاحب جمیع صفت های الهیست، تنها مقصود از خلقت جهان است. انسان کامل کسی است که از روز ازل نیز فرشتگان بارگاه حق تعالی به پاکی او را ستودند. «انسان کامل است که زبده و خلاصه موجودات است، و جامع علوم و مجمع انوار است. مظهر حقیقت و پنهان چون حقیقت زانکه فارغ از دو عالم مطلقند (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۳)

اسیری می گوید: اولیاء و عارفان حق، به سبب دارا بودن اسماء و صفات الهی در وجودشان، مظهر حق هستند و همچون او [خداوند] پنهان هستند. مصرع دوم اشاره به گسستن بندهای عالم ماده و پیوستن به راه حق و مانوس بودن با خداوند است. بردبارند و رحیم و مشفقند در اخوت حقیقت شناس مطلقند دشمنی شان هست عین دوستی مغز گردو در گذار از پوستی (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۲)

ابیات فوق ضمن آنکه وجود انسان کامل را مظهر صفات و صورت حق تعالی می داند، مفهومی در بیان واسطه فیض الهی دارد که اهل کمال حتی در موضع به ظاهر دشمنی و صورت قهریه خود، در حال رساندن فیض به مخلوقات هستند. هر چه او گوید همه الهام دان گفت او را تو ز حق اعلام دان (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۰)

اسیری سخنان انسان کامل را سخن حق می پندارد. در عرفان اسلامی اهل کمال لسان الله هستند. پس وقتی در عرفان، انسان کامل را لسان الله می خوانند، نباید جز سخن حق از آنان انتظار داشت. لذا کامل هر چه می گوید سخن پروردگار است و جز حق نیست.

#### ۱-۴- عشق

عشق مهمترین رکن طریقت است و این مقام را تنها انسان کامل که مراتب ترقی و تکامل را پیموده است درک می کند. عاشق را در مرحله کمال عشق، حالتی دست دهد که از خود بیگانه و ناآگاه می شود و از زمان و مکان فارغ و از فراق محبوب می سوزد و می سازد. هم جان است و هم جان را جانی است و قصه بی پایانی است و درد بی درمانی است. (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۸۱)

حق همی گوید ترا ما ودعک هر کجا خواهی شد الله معک (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷)

در بیت فوق با استشهاد به قرآن کریم، آیه سوم از سوره مبارکه ضحی، نسبت پیامبر اسلام با خداوند را در محبت بیان می دارد. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى، که خدای تو هیچ گاه تو را ترک نگفته و بر تو خشم ننموده است.

اسیری لاهیجی درباره دل صافی کاملان چنین می گوید:

حق نگنجد در زمین و آسمان در دل مومن بگنجد این بدان  
( اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۹ )

دل انسان کامل مرآت حق است به سبب شفافیت پرتو جمال خداوند است. هفتمین طور از اطوار هفتگانه قلب در عرفان اسلامی مهجه القلب می باشد و این مقام حاصل نمی گردد، مگر به قطع علاقه از ماسوی الله و تخلیه نفس از صفات حیوانی و رسیدن به این درجه از اطوار قلبیه تنها از انسان کامل برمی آید تا بتواند حق را که در زمین و آسمان نمی گنجد را در قلب خود حفظ کند.

عقل کل از جام عشقت باده نوش نفس کل مستانه از شوقست به جوش  
( اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱ )

اسیری می گوید: عقل کل، از جام عشق الهی باده نوشی می کند و در شوق و اشتیاق معبود است. « نفس کل حضرت محمد (ص) است که او را عقل کل نیز می گویند. » (سجادی، ۱۳۷۰: ۷۶۸) در باب باده نوشی و می عشق در عرفان اسلامی باید دانست که: « حالت جذبه، شیفتگی و تجلیات ربانی است. » (همان، ۷۵۴) عقل کل و نفس کل، از عشق لایزال الهی سرمست است.

گشته انسان مست و بیخود زان شراب ز آتش عشق تو دارد دل کباب  
( اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱ )

در این بیت، عاشقان حق تعالی که دل سوخته اند، مست و بی خود از عشق الهی هستند. در نسبت صفت مطلق بی خود به انسان [کامل]، اسیری به مقام فنا فی الله عارفان نیز اشاره دارد، آن ها آنچنان مست از عشق الهی هستند که ترک خود نموده اند.

انبیا از جام وصلت سرخوشند اولیا از عشق تو در آتشند  
عاشقان از باده عشق تو مست عارفان زین جام گشته نیست هست  
( اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱ )

عاشقان حضرت حق، مست از عشق الهی گشته اند و عارف که در مرتبه شهود قرار گرفته، هست خود را نیست گردانیده است. «جوینده حق تعالی را با وجود طلب وجد تمام

عاشق گویند که غیر محبوب حقیقی کسی را نخواهد و نجوید.» (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۶۶ و ۵۶۷) و عارف نیز در اصلاح کسی است که « حضرت الهی او را به مرتبه شهود ذات و اسماء و صفات خود رسانیده و این مقام از طریق حال و مکاشفه بر او ظاهر گشته باشد نه از طریق علم و معرفت.» (همان، ۵۶۵) نیستی در اصطلاح آن است که در طریق دوستی حق فنا شوی، دو گیتی در سر دوستی دهی و دوستی در سر دوست تا نتوانی گفت که منم و اوست. (همان، ۷۷۵)

آن حیب خاص رب العالمین آن شفیع خلق عالم یوم دین  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

حیب خاص خداوند، پیامبر گرامی اسلام است آنکه شفیع خلق عالم و روز جزا است.

نیست اکمل در طریقت زو کسی جز خدا او را نباشد مونس  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

اسیری می گوید: در طریقت کسی کامل تر از پیامبر گرامی اسلام نیست و او با غیر حق مانوس نیست. انس و الفت انسان اکمل با حق تعالی، و عزلت از غیر حق، نسبت وی با خداوند است.

## ۲- نسبت انسان کامل با عالم هستی

### ۲-۱- ساری در جمیع عوالم

مدارج و معارج فیض وجود، دوری است و فیض منتزل از مرتبه احدیت به واحدیت، و از آنجا به عقل کل و نفس کل و عالم برزخ مثالی، عرشی و کرسی و افلاک سبعة و عناصر اربعه و موالید ثلاثه، تا به مرتبه انسان کامل می رسد، قوس نصف دایره نزولی به اتمام می رسد و از مرتبه انسانی که آخر تنزلات است، ابتدای ترقی می شود و به عکس سیر اول که سیر نزولی بود، می رود تا به نقطه اول که مرتبه احدیت است، وصول یابد. (لاهیجی، ۱۳۹۵: ۲۲۹ و ۲۳۰)

می کند جولان به ملک لامکان بی نشان بیند عیان اندر عیان  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۱)

همه پهنای آسمان ها و زمین جولانگاه انسان کامل است، به لامکان سفر می کند، هر جا که بخواهد بنگرد بدون این که نیاز به حرکت در آوردن جسم خود داشته باشد. یک پیاده در رکابش جبریل لو دنوت بر کمالش شد دلیل (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

اسیری می گوید: انسان کامل، پیامبر گرامی اسلام، در جایگاهی قرار دارد که جبریل در رسیدن بدان ناتوان است. این بیت اشاره دارد به داستان شب معراج. پیامبر (ص) از جبریل در شب معراج نقل می کند: «همانا بین من و پروردگار هفتاد حجاب از نور است که اگر یکی از آنها را مشاهده کنم سوخته و نابود خواهم شد. شاه باز لامکانی جان او رحمه للعالمین در شان او (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

انسان کامل شاهباز لامکانی است که به شکار صفات جمال و جلال الهی نائل گشته است، در آن جایگاه که فرشتگان مقرب پروبال فرو گذاشتند. مصرع دوم اشاره به آیه صد و هفتم سوره مبارکه انبیاء است. «مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». یعنی تو [ای محمد] رحمتی هستی که به سوی همه جماعت های بشری فرستاده شده ای.

قرب او ادنی شده او را مقام ما رمیت شرح حالش را تمام (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

در مصرع اول بیت فوق، اسیری به آیه نهم سوره نجم اشاره می کند که داستان معراج پیامبر (ص) را بیان می کند. «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (قرآن کریم، سوره نجم، آیه نهم) با او [حق تعالی] به قدر دو کمان یا نزدیکتر از آن شد. اسیری در این مصرع مقام بالای پیامبر را به تصویر می کشد. در مصرع دوم نیز اسیری اشاره می کند به بخشی از آیه ۱۷ سوره انفال «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» و این تو نبودى (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آن ها) انداختی؛ بلکه خدا انداخت! منظور از اشاره کردن به این آیه در مصرع دوم این است که تمام نصرت و پیروزی هایی که پیامبر کسب می کرده از خدا بوده است.

جمله عالم جرعه نوش جام دل از مکان تا لامکان یک گام دل  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴۹)

در بیت فوق شیخ لاهیجی، معتقد است که معراج و حلول انسان کامل به توسط  
مظهریت وجود او و تجلی حق تعالی در لوح دل میسر می‌گردد، برای کاملان حق تعالی،  
سیر مکان تا لامکان یک گام دل است.

بود برخوان خدا او میهمان گفت ایست عند ربی در بیان  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷)

بیت فوق اشاره دارد به شب معراج و حدیث مشهور پیامبر که فرمودند: ایست عند ربی  
یطعمنی ویسقینی؛ من نزد پروردگرم شب را می‌گذرانم و او مرا طعام و نوشیدنی می‌دهد.  
لاهیجی در این بیت به مرتبه بالای پیامبر نزد خدا اشاره می‌کند.

## ۲-۲- جامعیت انسان

چون حق تعالی تجلی کرد، به ذات خود مر ذات خود را و مشاهده کرد در ذات  
خویش جمیع صفات و کمالات را، خواست تا صفات و کمالات خویش را مشاهده کند؛  
در حقیقتی که او [انسان کامل] به منزلت آینه باشد. (کمال خوارزمی، ۱۳۶۴: ۶۸)

اسیری در معنای کمال و جامع الصفات بودن انسان کامل می‌گوید:

هر چه در عالم کمالش نام بود جمله در ذات شریف او نمود  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸)

کمالات هستی در ذات شریف انسان کامل که تجلی ذات حق است قرار دارد.  
اسیری گوید: هر آنچه در عالم، کمالی داشت، همگی در ذات شریف انسان کامل قرار  
دارد.

منبع آداب و اخلاق حسن مجمع اوصاف رب ذو المنن  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸)

اسیری گوید: انسان کامل، کانون فضائل و حسن اخلاق و آداب نیکو است و جامع  
الصفات و اوصاف حق تعالی است.

## ۲-۲-۳- مقصود کلی از آفرینش عالم

انسان کامل ترین موجودات است و او هدف هستی است، و چون وی هدف آفرینش پیش از هستی است، از این رو جز بخاطر وی و ظهورش آفریده‌ای را پیش از او نیافرید. (ابن عربی، ۱۳۸۶: ۶۳) ابن عربی بر این عقیده است که «اگر وی نبود، آفرینش صورت نمی‌گرفت.» (همان)

اسیری در اسرارالشهود، نشانه های انسان کامل را در پیامبر گرامی اسلام تفسیر می‌کند.

گشته تابان مهر و مه از روی او منزل جانها خم گیسوی او  
از جمال اوست عالم را صفا گشته از خوانش دو گیتی بانوا  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

انسان کامل، مقصود آفرینش است، پیامبر گرامی اسلام کسی است که از نور وجود او، ماه و خورشید نور می‌گیرند، یعنی به واسطه وجود او رحمت آفرینش حق شامل آن‌ها گردید و بوجود ممکنات در آمدند و جان جهان، ذات عالم هستی در محبت او ایجاد شده است. جمال محمد (ص) است که جهان را روشنی بخشیده و امکان حیات را برای عدمیان فراهم ساخته است.

از خدا لولاک آمد در خطاب کز دو عالم هست مقصود آن جناب  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷)

لاهیجی در بیت فوق به حدیث قدسی «لولاک، لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَکَ: اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی‌کردم» اشاره دارد. می‌توان اینطور این بیت را تحلیل کرد که پیامبر نمونه انسان کامل است و دلیل و مقصود خداوند از ایجاد مخلوقات، انسان کامل می‌باشد. ذات ایشانست خلقت را سبب هرچه می‌خواهی ز ایشان می‌طلب  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۳)

چون ذات ایشان (کاملان حق)، سبب خلقت [کونین] است، لذا او بتوسط ذات درونی خویش، صورت الهی است. بنابراین هر چه می‌خواهی از ایشان می‌طلب. در این معنی که طلب از وی طلب از خداوند است.

## ۲-۴- مقام فنا

فنا در اصطلاح یعنی فنای بنده در حق، که جهت بشریت بنده در جهت ربوبیت حق، محو می‌گردد. (سجادی، ۱۳۷۰: ۶۲۸) با فنا، به سقوط اوصاف مذموم، و با بقا به قیام اوصاف محمود اشاره می‌کنند. فنای بنده از اوصاف و احوال مذموم، عدم آن اوصاف و احوال است، همچنان که فنای او از نفس خود و خلق، زوال احساس او به خود و خلق است. (قشیری، ۱۳۷۴: ۴۶)

گر از آن بسیار گویم اندکی کی کجا فهمد بغیر آن یکی  
کو جهان را سر به سر نابود دید باده جام فنا را در کشید  
محو شد در پرتو نور احد کار او بالاست از فهم و خرد  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۱)

اسیری می‌گوید: انسان کامل، باده عشق الهی را می‌نوشد و گام در سیر الی الله، فنا فی الله می‌گذارد و جهان از منظر مست باده عشق الهی، بی مقدار و نابود است. انسان کامل در انوار الهی مدهوش و مست است و فعلیت وی نائل گردیدن به سیر فی الله است، طریقی که از فهم و درک اهل ظاهر خارج است.

رهنمایی لایق آن کاملست کوزخود فانی به جانان واصل است  
نیست اکمل در طریقت زو کسی جز خدا او را نباشد مونسی  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳۱)

در ابیات فوق، اسیری لیاقت راهنمایی خلاق را در کاملی می‌داند که از هست خود و هستی عالم ماده، به نیستی گراییده و حی و حاضر در محضر حق است.

داند او ایذای خلقان فعل حق چون ز حق بیند ز آتش نیست دق  
بلکه لذت‌هاست او را در جفا زانکه جور یار خوش‌تر از وفا  
چونکه او فانی فی الله آمده است هرچه بیند عین حق دانسته است  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۱۵)

اسیری می‌گوید: انسان کامل آگاه است که رنج‌ها و مشقت‌های خلق، فعل و حکمت پروردگار است. پس با این آگاهی از آتش محنت اعتراضی نیست. انسان کامل



این آگاهی را در مقام فنا به دست آورده و هر چه در عالم هستی بیند عین حق تعالی می‌انگارد.

فارغ از خود گشته و باقی به دوست جملگی مغز آمده فارغ ز پوست (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۲)

کلمه فراغ نشان از آراء اسیری در وجه ایمان و توکل نیز هست، انسان از بند خویشتن رها می‌شود، و متوکل است به حق تعالی. کاملان با چنین اندیشه ای مهمترین عضو نظام هستی هستند.

## ۲-۵- وحدت وجود

عرفان نظری، از جنبه وجودشناختی، بیانگر نحوه فاعلیت حق و بیانگر کیفیت ربط وحدت به کثرت و چگونگی انتشار و برآمدن کثرات از واحد است. انسان کامل نیز به توسط دیده حقیقت بین خویش به هر سوی که می‌نگرد مظاهر و اوصاف حق را می‌بیند و می‌شنود. (جهانگیری، ۱۳۷۵: ۲۷۲)

اوست معنی جمله عالم صورتست	او کتاب و هر چه بینی آیتست
او چو دریا و دو عالم موج دان	او می و جمله جهان را جام خوان
حق چو جان و جمله عالم چون تن است	همچو خور در کائنات این روشن است
صورت کثرت حجاب وحدتست	گرچه وحدت را ظهور از کثرتست
نیست غیر از یار در عالم عیان	در حقیقت اوست پیدا و نهان

(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷۹)

اسیری برای درک وحدت وجود در نزد انسان کامل، به ضمیر باطن و پنهان، در ورای صورت اشاره می‌کند، اگر دریا را می‌شناسی، حق تعالی چون دریاست و دو عالم موج دریاست، اگر می‌را می‌شناسی، گوهر حضرت حق چون شراب است و جمله جهان جام شراب. اسیری جان جهان را حق تعالی می‌پندارد که این علم چون آفتاب روشن و تابان دنیا، روشن است. اگر چه فهم و ادراک وحدت وجود از طریق همین کثرت های جهان در اذهان به ظهور می‌رسد، اما حجاب فهم این علم نیز هست.

صاحب جمع است و پیشش نیست فرق جان او در بحر وحدت گشته غرق

(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷۹)

اسیری می گوید: انسان کامل صاحب مقام جمع است و در او دویی و تفرق نیست. او در بحر بینش وحدت مستغرق است.

تا تعین بر نخیزد از میان حق نهانست و نخواهد شد عیان  
چهره معنی نهان در صورتست صورت و معنی نقاب وحدتست

(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸۲)

اسیری می گوید: تا زمانی که تعین‌های شخصی، وجود مجازی و غیر مطلق ممکنات از میان بر نخیزد، پیش چشم سالک راه حق، وحدت عالم وجود عیان نخواهد شد، زیرا مفهوم این معنی نهان در ظواهر عالم ماده است، و صورت و معنی این جهان حائل وحدت تجلی ذات حق در نظر سالک است.

اهل معنی مست جام وحدتند اهل صورت درد نوش کثرتند  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲)

اسیری می گوید: اهل معنی که در واقع اهل علوم باطنی هستند، عارفان طریق راه حق تعالی، مست شراب ظهور و آگاهی از وحدت وجود هستند، اما صورت گرایان که در علوم ظاهری به تفحص می پردازند، تنها کثرت کونین را می بینند و غافل از معرفت وحدت هستند.

چون دویی برخاست جمله وحدتست تا نپنداری مقام کثرتست  
هر که او را دیده بینا بود هر چه بیند حق در او پیدا بود

(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷۹)

از نظر کاملان حق، چون بینش‌های دویی در عالم کثرت برخاست، در دید عاشق، جملگی تصویری از وحدت خواهد بود. کاملان که دیده بینایی بر این حقایق دارند، حقیقت وجود حق را در همه عوالم و هر آنچه که می بینند درک می کنند.

### ۳- رسالت و ولایت

انسان کامل به دلیل آنکه واسطه فیض الهی به جهان هستی است، به مقام خلیفه الهی دست یافته است و خلیفه و جانشین خداوند در عالم ماده و برای حفظ آن و هدایت بشریت است. «معنی حفظ او عالم را آنست که حق تعالی در آینه دل این کامل تجلی می کند و عکس انوار تجلیات از آینه دل او بر عالم فایض می گردد، و به وصول آن فیض باقی می ماند و تا این کامل در عالم باقی است، استمداد می کند از حق تجلیات ذاتیه و رحمت رحمانیت و رحیمیت را به واسطه اسماء و صفاتی که این موجودات مظاهر و محل استوای اوست. (کمال خوارزمی، ۱۳۶۴: ۷۱)

داد حق او را خلافت در جهان قم فانذر آمده در شرح آن (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷)

بیت فوق اشاره دارد به آیه دوم سوره مدثر: قُمْ فَأَنْذِرْ، برخیز و هشدار ده. خداوند انسان کامل را خلیفه خود بر روی زمین قرار می دهد و شرط نجات مردم را در این می بیند که رهبران دینی حرکت کنند و انزوا و استراحت را کنار بگذارند.

رهنمای خلق و هادی سبل مقتدای انبیاء ختم رسل (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶)

اسیری در بیت فوق اشاره دارد که مقتدای پیامبران، خاتم انبیاء راهنمای خلق است و راه هدایتگری را در پیش گرفته است.

هست راه او صراط مستقیم گفته حق او را علی خلق عظیم (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷)

هدایت و ولایت خلق، به عهده انسان کاملی است که راه او صراط المستقیم است و خداوند او را به خلق نیک آراسته است. اشاره «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ. در حقیقت تو به خلقی عظیم آراسته ای.» (قلم، آیه ۴) مفهوم این آیه این است که تا کسی خود دارای برترین مکارم اخلاق نباشد، خداوند متعال مأموریت عظیم و خطیر نبوت را به او نخواهد داد. پس کسب مکارم اخلاقی برای انسان کامل، امری الزامیست.

گر تو خواهی رفت راه ذو‌المنن دست در فتراک ره بینان بزن  
آن سلاطین اقالیم یقین حاکمان کشور دنیا و دین  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۲)

از نظر اسیری، اهل‌الله سلاطین ایمان و یقین و ره بینان طریق‌الی‌الله هستند و ولایت و پاسداری از حقیقت و مخلوقات دنیا و دین الهی بر عهده آنان نهاده شده است.

مظهر جامع امام‌الاصفیا گشته بر تخت ولایت پادشا  
منحصر شد رهبری در ذات او هست منشور جهان آیات او  
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸)

رهبری و ولایت بر مخلوقات منحصر در ذات انسان کامل است. اسیری با اشاره به نشانه‌های او که منشور جهان است، ذات انسان کامل را تجلی حق می‌داند. در واقع او بدین معنی اشاره دارد که صورت حق تعالی در عالم ماده است که ولایت و رهبری منحصر بدو گشته است.

## نتیجه گیری

با توجه به شیوه بررسی انسان کامل در اسرار الشهود، و تفکیک این موضوع به نسبت انسان کامل با خداوند و نسبت او با عالم هستی و رسالت و ولایت، از دستاوردهای این تحقیق می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- انسان کامل صورت الهی و مظهر اسماء و صفات حق تعالی است و آن چه از نظرش می گذرد، آیات و نشانه های تجلی ذات پروردگار است.
  - ۲- انسان کامل واسطه فیض حق تعالی است، پس او خیرخواه عالمیان است.
  - ۳- رسیدن به بالاترین درجه از اطوار قلب تنها از انسان کامل برمی آید تا بتواند حق را که در زمین و آسمان نمی گنجد را در قلب خود حفظ کند.
  - ۴- معراج و حلول انسان کامل به توسط مظهریت وجود او و تجلی حق تعالی در لوح دل میسر می گردد، برای کاملان حق تعالی، سیر مکان تا لامکان یک گام دل است.
  - ۵- تا زمانی که پیش چشم سالک راه حق، تعیین های شخصی، وجود مجازی و غیر مطلق ممکنات از میان بر نخیزد، وحدت عالم وجود عیان نخواهد شد.
  - ۶- انسان کامل، باده عشق الهی را می نوشد و گام در سیر الی الله، فنا فی الله می گذارد. او عالم ماده، را بی مقدار و نابود می داند.
  - ۷- شیخ لاهیجی هدایت و ولایت خلق، را بر عهده انسان کاملی می داند که راه او صراط المستقیم است و خداوند او را به خلق نیک آراسته است، آنچنان که ولایت و رهبری را منحصر در ذات انسان کامل می داند.
- حاصل تحقیق آن که انسان کامل علت غایی؛ و هدف آفرینش است. او در عالم ماده پس از تحقق بالفعل اندیشه وحدت و زدودن زنگار تعیین های عدمی و مجازی در عالم ممکنات، و طریق سیر الی الله، به مقام قرب و فنا دست یافته و با بینش وحدت وجودی و نائل آمدن به بقاء بالله، مستحق خلیفه الهی گردیده است.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آل داوود، آ.ب. (۱۳۶۸). *انسان کامل، دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۲. آل عصفور، محمد. (۱۳۸۵). *«انسان کامل و انسان شناسی مولانا»*. کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۱۲: صفحه ۹۵ تا ۱۲۶.
۳. آملی، سید جواد. (۱۳۶۳). *سیری در عرفان و فلسفه در جهان اسلام*، دیدگاه های مختلف در تفسیر قرآن، مجموعه مقالات سومین کنگره فرهنگی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴. ابن عربی، محمد بن علی. (۱۳۸۶). *انسان کامل*. ترجمه گل بابا سعیدی. تهران: جامی.
۵. اسیری لاهیجی، محمدبن یحیی. (۱۳۸۶). *اسرار الشهود*. تصحیح سید علی آل داوود، تهران: موسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. اسیری لاهیجی، محمدبن یحیی. (۱۳۹۵). *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: انتشارات زوار.
۷. اعوانی، غلامرضا، دادبه، اصغر، بادنج، حسن. (۱۳۸۹). *«انسان کامل به روایت ابن عربی»*. فصلنامه اندیشه دینی، پیاپی ۳۴، صفحات ۱۳۵ - ۱۶۰.
۸. جهانگیری، محسن. (۱۳۷۵). *محبی الدین ابن عربی، چهره برحسته عرفان اسلامی*، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. رستمی، سمیرا. (۱۳۹۷). *«پیر همدانیتگر در مثنوی اسرار الشهود اسیری لاهیجی»*، نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۱۱. سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۰). *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران: طهوری.
۱۲. سجادی، سید ضیاء الدین. (۱۳۸۴). *مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف*، چپ یازدهم، تهران: (سمت).

۱۳. سهروردی، عبدالقاهر بن عبدالله. (۱۳۶۳). *آداب المریدین*. مترجم: عمر بن محمد شیرکانی و محمد یوسف حسینی، با تصحیحات و استدارکات نجیب مایل هروی. تهران: مولی.
۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۱). *عرفان و عارف نمایان ترجمه کسر اصنام جاهلیه*، ترجمه محسن بیدارفر، تهران: انتشارات الزهرا.
۱۵. عبدالرزاق کاشانی، عبدالرزاق بن جلال الدین. (۱۳۵۴). *اصطلاحات صوفیه*، ضمیمه شرح منازل السائرین. تهران: انتشارات حامدی.
۱۶. عفیفی، ابوالعلاء. (۱۳۸۶). *شرحی بر فصوص الحکم*، ترجمه نصرالله حکمت، چاپ دوم، تهران: انتشارات الهام.
۱۷. قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۷۴). *رساله قشیریہ*. عثمانی، حسن بن احمد. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. قیصری، داوود بن محمود. (۱۳۷۰). *شرح فصوص الحکم*، محقق جلال الدین آشتیانی، انتشارات امیرکبیر.
۱۹. کمال خوارزمی، حسین بن حسن. (۱۳۶۴). *شرح فصوص الحکم محیی الدین ابن عربی*، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران: انتشارات مولی.
۲۰. گوهرین، سید صادق. (۱۳۸۸). *شرح اصطلاحات تصوف*، تهران: زوار.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۳۶۳). *بحار الانوار*. مترجم ابوالحسن موسوی همدانی، تهران: کتابخانه حضرت ولیعصر.
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). *انسان کامل*، قم: انتشارات صدرا.
۲۳. مهریزی، مهدی. (۱۳۸۰). *میراث حدیث شیعه*. به کوشش علی صدرایی خویی. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۴. نسفی، عزیزالدین بن محمد. (۱۳۶۲). *مجموعه رسائل مشهور به الانسان الكامل*، انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران. تهران: انتشارات طهوری.
۲۵. نصرالدین طوسی، محمد بن محمد. (۱۳۷۶). *اوصاف الاشراف*، به کوشش ایرج گلسرخی، تهران: انتشارات علمی.

